شهرآرا رو نو
15
07
19
۲ شنبه
۲۴ تیر ۱۳۹۸
۱۲ ذی القعده ۱۴۴۰
شماره ۲۸۷۳

به وقت شله

مهدی محمدی

کارت هوشمندمون از هوش رفت!

اعلام شده است هنوز ۹۱۸هزار نفر از هم‌استانی‌هایمان برای دریافت کارت ملی هوشمند اقدام نکرده‌اند. انجام کارهای کارت ملی هوشمند ۴۰،۳۰هزار تومان خرج دارد و اینکه نزدیک یک میلیون نفر فقط در استان ما هنوز برای دریافت آن اقدام نکرده‌اند، یک پیام بیشتر ندارد: «به چه زبونی بگیم پول نداریم؟»

+اگه مردم پول ندارند، پس چطوری می‌رن بچه‌هاشونو تو کانادا به دنیا میارن؟

-ببخشید شما؟

+من «مسئولی که خواست نامش فاش نشود» هستم. سوالمو جواب ندادی؟ می گم اگه مردم پول ندارن، پس چطوری تند و تند می‌رن بچه‌هاشونو تو کانادا به دنیا میارن؟

-مگه غیر از رامبد جوان بقیه ایرانی‌ها هم....

+بله که بودند؛ محسن تابنده، سام درخشانی، رزیتا غفاری، شبنم قلی‌خانی، فریبا نادری، روناک یونسی و بنیامین بهادری هم بودند.

-ولی همه ایرانی‌ها که بچه‌شونو تو کانادا به‌دنیا نمیارن!

+حرف شما درسته؛ شیلا خداداد فرزندشو تو آمریکا به‌دنیا آورده. اصلا همه این‌ها به‌کنار، مگه هزینه ثبت‌نام کارت هوشمند چقدر می‌شه؟ کلا اندازه قیمت ۳۰۰گرم گوشت از مردم پول می گیرند.

-آخه وقتی پولو می‌دی به دفاتر پیشخوان فقط یک تیکه کاغذ باریکه به آدم می‌دن. بعضی‌ها هم یک سال بیشتره که ثبت‌نام کردن ولی هنوز که هنوزه، خبری از کارت هوشمندشون نیست. مردم می گن هدف فقط اینه که یه پولی از مردم بگیرند.

+درعوض مردم دیر یا زود کارت هوشمند دریافت می کنند!

-ولی سوالی که همه دارند اینه: اگه این کارت هوشمنده، پس چرا هر اداره‌ای می‌ری، می گن یه کپی از پشت و روی کارت ملی هوشمندت بگیر. مگه قرار نبود کارت هوشمند کاغذبازی رو کمتر کنه، ولی این که کاغذبازی رو بیشتر کرده!

+ببینید کارت هوشمند نه‌تنها خودش هوشمنده، بلکه برنامه‌ریزی هوشمندانه‌ای هم براش کردیم. یعنی این‌قدر هوشمندانه بوده که حتی حواسمون به شاغلان بخش تایپ و تکثیر کشور هم بوده تا کارشون کساد نشه. پشت هر کار ما یک فلسفه است.

خط رو خط

فرانک باباپور

تسلط ۱۰۰درصدی برروی فضای مجازی

عبدالعلی علی‌عسکری، رئیس صداوسیما، ۸۰درصد محتوای فضای مجازی را مستهجن ارزیابی کرده است! اصلا هم تابلو نیست سر آن سوتی شبکه کیش می‌خواهد تلافی کند. حالا ما هم چیزی نگفتیم که، یک بار اشتباهی از این شبکه سر زده که دست خودشان هم نبوده و به‌دلیل اعتماد زیادی‌شان به فیلم‌های جکی چان بوده است. هیچ اشکالی هم ندارد. اگر شما به‌عنوان رئیس صداوسیما تسلط ۱۰۰درصدی بر محتوای تلویزیون ندارید، درعوض بر ۱۰۰درصد محتوای فضای مجازی اشراف دارید و می‌دانید که ۸۰درصدش مستهجن است. به‌شخصه نمی‌دانم مستهجن دقیقا یعنی چه ولی از ۸۰درصد مطالبی که در فضای مجازی می‌بینم، ناراضی هستم و روزی ۱۰۰درصد آرزو می کنم کاش مجبور نبودم این مطالب را ببینم. یکی گروه‌های فامیلی است و استیکرهایی که در آن ردوبدل می‌شود و بیشتر منظورم استیکرهای نامناسبی است که دست شوهرعمه می‌خورد رویشان و ارسال می‌شوند. یکی هم این گروه‌های کلاسی و دانشجویی. ۹۰درصد ابتذال دانشگاه از همین گروه‌ها شروع می‌شود؛ مخصوصا آنجایی که استاد تمرین می گذارد و می گوید تا جلسه بعد حل کنیم. خب، معلوم است دانشجویان برای حل کردن سوالات مجبورند بروند پی‌وی هم، از همین‌رو پیشنهاد می کنیم رئیس صداوسیما را بگذارند جای مدیرفضای مجازی که با چندتا آباژور و گلدان همه مشکلات را حل کند. راه دیگرش هم این است که یک نفر گوشی او را کش برود و از همه گروه‌ها و کانال‌هایش لفت بدهد و فیلترشکن‌هایش را پاک کند تا ۲۰درصد بقیه فضای مجازی برایش باقی بماند.

با هم بشنویم:
خورت
کی خونده؟
شهاب مظفری
ترانه و موزیکش از کیه؟
علی ثابت قدم
حس و حالش چیه؟
احساسی، گلایه‌طور،
صدای پر درد،
موسیقی خاص
که می‌برت
توی حس

ماجرای طبابت پر حاشیه

نقدهای تند یک مناظره تلویزیونی علیه پزشکان حالا به فضای مجازی کشیده شده است

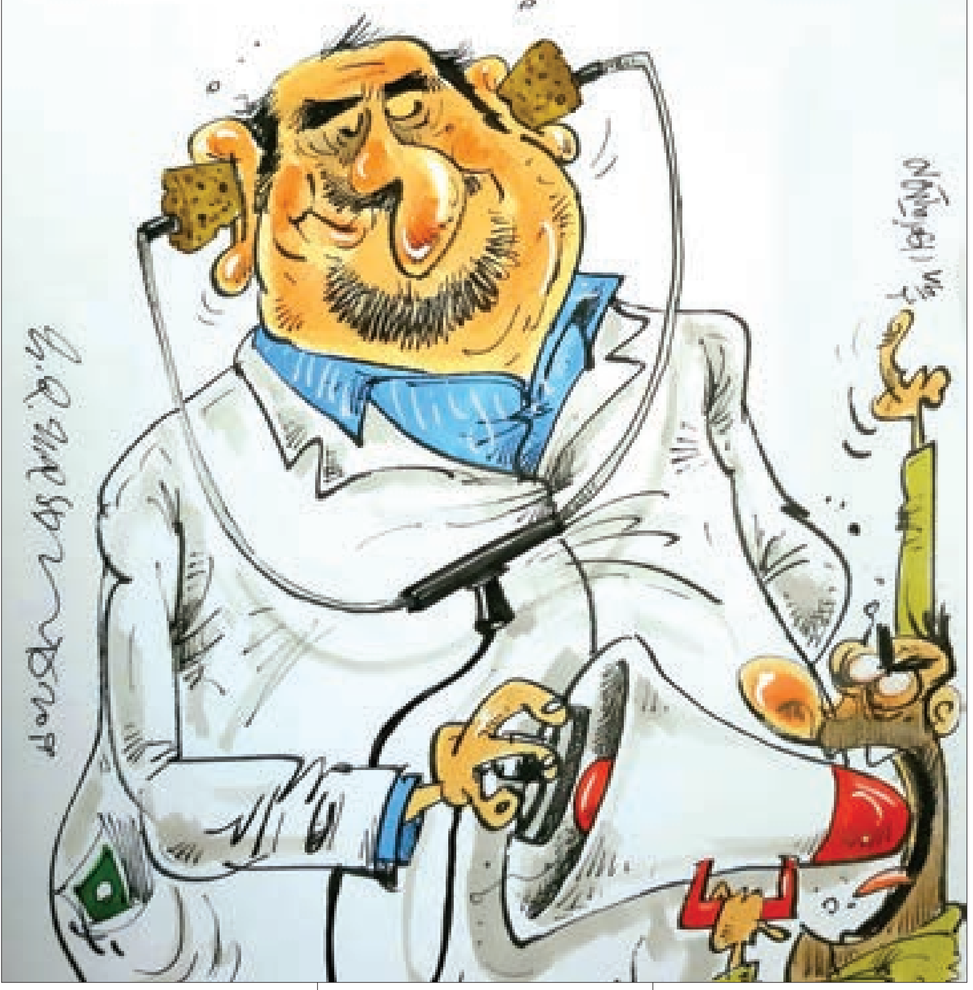

طرح: محمدرضا میرشاه‌ولد

ایمان فروزان‌نیا

جمعه‌شب برنامه مناظره شبکه یک سیما میزبان جمعی از کارشناسان بود تا درباره افزایش ظرفیت پذیرش رشته‌های پزشکی گفت‌وگو کنند؛ برنامه‌ای که بسیار جنجالی‌تر از آن چیزی شد که گمان می‌رفت و حالا ادامه بحث و دعواهای آن برنامه به فضای مجازی کشیده شده است. در طول برنامه صحبت‌های مهمی درباره درآمد نجومی برخی پزشکان، تبدیل شدن طبابت به تجارت و کمبود نیروی پزشک در کشور مطرح شد. یک طرف مناظره به‌عنوان مخالف وضعیت فعلی سیستم نظام‌پزشکی به انتقاد از پزشکان پرداخت و طرف دیگر که نماینده پزشکان بود، به دفاع از این جامعه. حالا اگر هشتگ «پزشک» را در توئیتر جست‌وجو کنید یا به قسمت کامنت‌های صفحه‌های اینستاگرامی که بخش‌هایی از فیلم این مناظره را منتشر کرده‌اند بروید، با صدها توئیت و کامنت روبه‌رو می‌شوید که حکایت از ناراحتی و گلایه بخشی از مردم از پزشکان دارد.

ادامه دعوا در فضای مجازی

پیام‌های توئیتر به دو دسته تقسیم می‌شدند؛ گروهی از پزشکان و دانشجویان پزشکی که با نقد حرف‌های کارشناس برنامه و استدلال‌های دیگر برای دفاع از خودشان تلاش می کردند؛ مثل کاربری که نوشته بود: «این وسط، یه اشتباه فاحش این هست که مردم از پزشک‌ها خشمگین می‌شن! پزشکی که شما رو مداوا می کنه، مسئول یا پشت‌پرده نابرابری مالی‌اجتماعی مورد بحث نیست. برابری باید از نهادهای بالاتر مطالبه بشه.» و گروه دوم هم گروه اول و بقیه پزشکان را به باد نقد گرفته بودند: «۹۵درصد پزشکان ایران به‌جای طبابت، دارن تجارت می کنن»، کاربر دیگری نوشته بود: «ما تو کشورمون دکتر داریم ویزیتش ۳۰۰هزار تومنه، کسی اینا رو نمی‌بینه. یه نفر هم که پیدا شده داره حقیقت رو می گه، نمی‌ذارن حرف بزنه» یا «چرا پزشک‌ها خودشون رو طبقه برتر یا احتمالا نژاد برتر می‌دونن و به خودشون اجازه می‌دن با هر ادبیات زشت و زننده‌ای با بیمار برخورد کنند. اونم بیماری که هنوز وارد مطب نشده، باید پول نقد بده تا جناب پزشک فرار مالیاتی داشته باشه؟»

تافته‌های جدابافته

فاصله بین جامعه پزشکی و مردم چطور ایجاد شد؟ اصلا از کی مردم شروع به بدگویی از برخی پزشکان کردند؟ بی‌شک مشخص است که همه پزشکان ویزیت نجومی نمی گیرند، اهل زیرمیزی نیستند و پولشان از پارو بالا نمی‌رود، پس چه شده است که در چشم برخی کاربران، ۹۵درصد(!) پزشکان کاسب شده‌اند؟ اگر به‌دنبال جواب این سوال‌ها هستید، باید آن را در رفتار قشر معدودی از پزشکان جست‌وجو کنید که بازخوردهای رسانه‌ای بزرگ داشت. یادتان می‌آید که سریال «در حاشیه» مهران مدیری به‌دلیل اعتراض گروهی از پزشکان که طاقت شوخی را نداشتند، تغییر کرد و نهایتا زودتر از موعد تعطیل شد؟ آن زمان پزشک‌ها با شعار تقدس حرفه‌شان و وجوب رعایت شأنشان دست به اعتراض زدند ولی یادشان نبود که نداشتن کارت‌خوان آن‌هم در زمانه‌ای که حتی گل‌فروش‌های سر چهارراه هم کارت‌خوان دارند، دور از شأن پزشکان است. گزارش‌های زیادی درباره فرار مالیاتی پزشکان منتشر شده است، ولی هنوز مطب برخی پزشکان متخصص که از قضا به‌دلیل تبحرشان مراجعان زیادی هم دارند، بدون دستگاه کارت‌خوان است. پزشکان حاضر در مناظره شبکه یک از بیان این آمار که «در ایران به ازای هر ۱۰هزار نفر بین ۱۱ تا ۱۶ پزشک وجود دارد، درحالی که این عدد برای کشورهایی مثل سوئد یا روسیه ۵۴ و ۴۳ است»، ناراحت شدند. ولی درباره این موضوع هیچ حرفی نزدند که طبق مصوبه هیئت وزیران یک پزشک عمومی باید ۱۵دقیقه و یک پزشک متخصص ۲۰دقیقه و یک پزشک فوق تخصص، ۲۵دقیقه صرف ویزیت بیمار کند. در همه‌جای دنیا پزشکی یک شغل خدماتی محسوب می‌شود؛ یعنی پزشکان در قبال گرفتن دستمزد از مردم، خدمات سلامتی می‌دهند و باید در خدمات‌دهی‌شان کیفیت، دستمزد، احترام و خیلی چیزهای دیگر را رعایت کنند. نمی‌خواهم با این حرف شأن حرفه پزشکی را پایین بیاورم؛ چون شأن یک پزشک با نقد پایین نمی‌آید. شأن یک پزشک با ویزیت‌های پنج‌دقیقه‌ای، دریافت‌های زیرمیزی و گرفتن پول نقد از بیمار، فرستادن بیمار به آزمایشگاه یا داروخانه خاص و این‌طور چیزها زیر سوال می‌رود. می‌توان درک کرد که یک نفر بعد از دیدن یک یا دو نمونه از این رفتارهای غیرحرفه‌ای، همه پزشکان را به یک چشم ببینند. این از خاصیت‌های بد ماست؛ این روزها در چشم بعضی ، همه فوتبالیست‌ها مفت‌خور و پولکی، همه پولدارها آقازاده، همه بانک‌ها اختلاسگر و همه دکترها کاسب هستند.

هزار تو

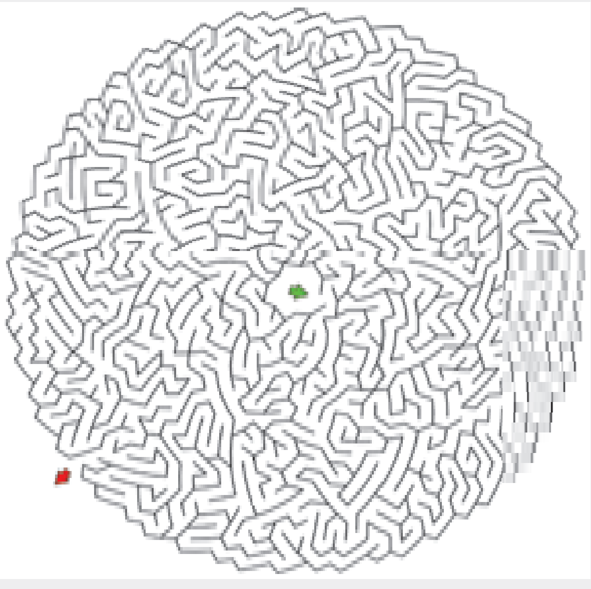

سودوکو پازلی

قوانین سودوکوی پازلی درست مثل سودوکوی معمولی است؛ با این تفاوت که جدول سودوکوی معمولی از ۹ مربع کوچک ساخته می‌شود ولی در سودوکوی پازلی این مربع‌ها به اشکال نامنظمی تغییر شکل داده‌اند. شما باید طوری اعداد یک تا ۹ را در جدول قرار دهید که در هر ستون، ردیف و هر ناحیه (که با خطوط پررنگ مشخص شده است) اعداد تکراری قرار نگیرد.

شماره ۲۹

۷				۳				۹
	۹	۲				۵	۴	
			۸					
					۲			
		۹	۶	۲	۵	۷		
			۱					
					۷			
	۸	۵				۲	۱	
۱				۶				۵

پاسخ شماره ۲۹

جدول ۲۷۲۰

shahr.puzzle@shahrara.com

معمار تحریم‌ها علیه ایران		شهر توت فنجان سرباز نیروی دریایی			سمبلیک تکیه‌کلام مشهدی رایحه صنم			اثر محمود دولت‌آبادی
							از خواب‌افزارها	
ماده منفجره پستچی قدما						معبر رودخانه دیگ‌پایه		
			روستایی عطر شیرینی					
کشتی جنگی منتسب به ریه					بخشش کتابی از ابن‌سینا			
		درس نوشتنی پایه‌ها					ارشادکردن	
کشیدنی بچه قوت لایموت قاره سیاه				علم شریعت توانا				نامی دخترانه
						خرس آسمانی حشره سمج		
لباس نازک پرچم تن‌پرور					قوم ایران باستان نشان مفعولی			
			گرفتار					
	دغلی							

طراح: محمدرضا علیزاده

پاسخ جدول ۲۷۱۹

ورزش ویژه نابینایان	پ	کاشف سوئیسی ددت درس‌خوانده	س	یکدندگی پسوند شباهت بدگوی مردم	ل	ج	دوتایی برق‌درمانی چروک پیشانی	ا
گ	ل	ب	ا	ل	حیوان عظیم‌الجثه پرتاب گلوله	ف	ی	ل
نشان جمع تیم فوتبالی در لیگ جزیره	ه	ا	آبونه متکفل خانواده	م	ش	ت	ر	ک
ا	ر	س	ن	ا	ل	گوشت ترکی مظهر	ا	ت
جمع میزان لقب شاه مغولی	م	و	ا	ز	ی	ن	نوعی کفپوش ساختمانی	ر
ق	ا	ا	ن	کم‌فروغ برنج انگلیسی	ک	م	س	و
فقیر جام معروف	ن	د	ا	ر	سیم برق‌گیر اسرافکار	ا	ر	ت
ج	م	مقروض طنین صدا	و	ا	م	د	ا	ر
گشادشدن وریدها خامه	و	ا	ر	ی	س	آب تازی خیس	م	ا
ک	ل	ک	از درجه‌داران ارتشی	س	ر	ت	ی	پ
امپراطوری مضمحل شده	ر	و	م	سرمربی تیم فوتبال پیکان تهران	ف	ر	ک	ی

حاضرجواب

یک نماینده مجلس: بنزین قطعا گران نمی‌شود.
یک معلم ادبیات: بچه‌های گلم! اینم یک مثال دیگه برای استفاده از افعال معکوس.

وزیر کشور: مردم مثل گذشته سختی‌ها را تحمل کنند.
وی افزود: درمقابل، مسئولان نیز مثل گذشته صفرهای زیاد فیش حقوقی‌شان را تحمل می‌کنند.

دانشمندان ژاپنی یک ژن مرتبط با کهنسالی را شناسایی کردند.
حالا که این ژن رو شناسایی کردید، می‌شه قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان رو هم بهش تفهیم کنید؟

احتمالا روغن موتور هم سهمیه‌بندی شود.
این‌بار جلوی تعویض روغنی‌ها صف ببندیم؟

سرپرست سازمان غذا و دارو: مردم نگران دارو نباشند.
انگار اگه مسئولی به مردم نگه نگران نباشید، امتیاز اون مرحله رو از دست می‌ده!

ابتکار: لایحه تامین امنیت زنان مقابل خشونت در مراحل پایانی است.
یعنی طلق و شیرازه‌اش آماده است، مونده باقیش؟

کله ونگ

مُشتِبا نخعی‌راد

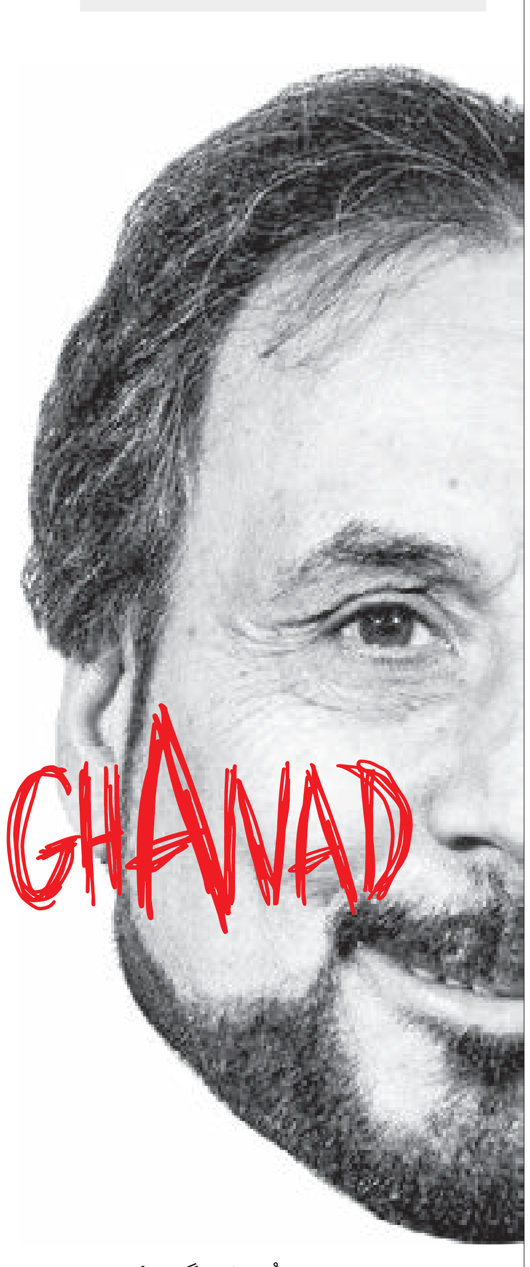

تلویزیون دِره چُپه وَرمِگرده!

مُو نمدِنُم بعضیا چی کِلَکی سوار مُکُنَن که لاکِردار پیر نمرَن؟ شصت و پنج ره رد کِردَن، ولی بِذشا رو بدی، هنو دِرَن اونجه تو تلویزیون شیلنگ‌تخته مندزَن و مجُلَن. انا، همی «عموقناد» ره نِگا کُنِن. ولی طَلَفَک ایقَذه بِذما گفت وَخزِم یَگ برنامه بیبینِم... که یَگ دِفه وَرگشتِم دیدِم دِگه نیستِگ. وقتی ازش مُپُرسَن: «بِر چی دِگه بِر بِچه‌خُردوها بِرنامه نِدِری» مگه: «بِچه‌ها فِراموش شدن و رِنگشا تو رسانه ملی کمرنگ رِفته. الان یَگ عالمه از برنامه‌های تلویزیون بِر دهه شصته و ای نُشون مِده که عوَض جلو رفتن، دِرِم چُپه وَرمِگردِم!»

فِک مُکُنِن تلویزیون حواسش پرت رِفته که بِچه‌هام برنامه مِخَن؟ نِه بِرار گُلُم! اوجور نیستِگ. اینا بِر بچه‌ها دلشا مث سیر و سر که مُجوشه. شمایَم فامیلت قناده، دِگه شوخی وَرنِمداره و تو ای گُرونیا که شیکر هم گیر نِمیه، درست نیستگ که بِچه‌ها مرض قند بیگیرَن. به نِظر مُو شما بِرِن ثبت احوال، بِگَن همی اسم مُو ره از «عموقناد» عوض کنن؛ مثلا مُگَم بگذِرَن عمونمکی یا عمو زنجیرباف! اوجور بِشه دِگه بِر بچه‌هایم ضِلَر نِدره و وازَم مِتِنن برنامه بسازن. فقط نمدِنُم بِر چی دِرَن هموجو چیپس و چیزای قُزمیت تبلیغ مُکُنَن؟

شِنُفتُم که سر درددل واکِردی و مِگی: «بِذِم مِگَن مِخی تو تلویزیون برنامه بسازی؟ اسپانسر دِشته بِشی، مورد نِدره. اسپانسرم که فقط بانک و اپراتور تلفن همراه هستگ که بِر بِچه‌خُردوها ناجوره.» بِپا نچایی دِداش! مِگَن اگه کف دست مُو دِره، بکن. فِک کِردی اینا تو تلویزیون گنج قارون دِرَن؟ بین خودما بِشه، دِشته بِشَن هم بِر «کلاه قرمزی و بِرنامه نوَد» و شما و چند تای دِگه که اصلا نِدرَن! ولی بِچه‌های حالا تیز و بُزن و بانک هم اسپانسر بِره، وازم بِرشا فِنتی نِدره. خودُم که بِچه بودُم، سر همی قیضیه که وقتی عیدی‌هام لُکه مِرَفت، چاخانُم مِکِردَن و همه ره مِگِرفتَن که تو بانک بِذِرَن، از بانک خوشُم نِمیه. پول ره مِگِرفتَن و دِگه حَجی‌حَجی مکه!